

## بلوک میانه

در شماره گذشته متأسفانه اشتباهات چاپی رخ داده بود که در بعضی موارد مفهوم عبارت کاملاً تغییر یافته بود مثلاً در ۳ صفحه ۴۰ مقداری از جمله چیده نشده که باین شرح تصحیح میگردد (حق جلوه دائمی حاکمیت خویش را ظاهر و باطل خود را محکوم یافته)

در بحث گذشته به این واقعت رسیدیم که ملل برای نجات خود از وضع رقت بار کنونی خواه و ناخواه باید در مقابل مکتب فکری ما تسلیم شوند تا از آزادی و برابری بعد اکل استفاده نمایند .  
مخصوصاً این نکته را یاد آور شد که علی رغم کارشکنیها و توطئه های خائنه دول استعماری مردم بلوک میانه در سایه طرز فکر واحد مکتب اسطه بانبروتی بیش از چهار صد ملیون نفر مقاومت شدیدی از خود ابراز داشته و مقدمات قطع بدغاصبانه جا برین و مستعمره طلبان رافراهم میآورند .

قابل توجه آنکه این مقاومت از همان نقاطی شروع گردید که نتیجه خونین استعمار باکمک رؤسا و حکام دست نشانه قبل از همه آنانرا از پای در آورده بود !

دنیاله بعث ماهانه به لزوم ایجاد کنگره اتحاد اختصاص داده شده بود ولی باقیام ملت مسلمان در نقطه حساسی از بلوک میانه مناسب میدانیم از طرز استیلاي دشمن و راهی که این ملت طی خواهد نمود تا بدانوسیله مزاحمین را بدریا ریزد بحث کنیم -

این نقطه بازوی توانای اسلام ، جناح راست بلوک میانه یعنی کشور فراغت و اهرام یا بهتر گفته شود هما نجا که مالک اشتر از طرف علی (ع) بفرمانداری آن منصوب گردید . آنجا که با سرعت بسوی تمدن

## بلوك میانه \_\_\_\_\_ گنج شایگان

بیش ردت و یکی از مراکز اصلی توسعه اسلام را بوجود آورد آنجا که پایگاه انتشار و رسوخ فکر جهانی اسلام در افریقا شد و آنگاه موفق بگذشتن از تنگه جبل الطارق و ورود باسپانیا گردید. - آنجا که پس از فتوحات ناپلئون چشم طمع انگلستان بر آن دوخته شد!

آنجا که سید جمال الدین اسدآبادی پشت استعمار را بلرزه درآورد؛ آنجا که دره نیل خروشان بدریا ریخته و برکت بی منتهای خود را برای پرورش بهترین مواد اولیه در دسترس انباء بشر قرار می دهد.

آری! آنجا، مصر یا کلید خاورمیانه و هندوستان بود که دیسراپلی را از خود بیخود نمود.

### تقوّد

تغیر کابینه انگلستان در ۱۸۷۴ در اساس سیاست خارجی آن دولت تحولی بزرگ ایجاد کرد (توسعه امپریالیسم انگلستان!)

از اینموقع با صدارت دیسراپلی دخالت روزافزون مستعمره طلبان در بلوك میانه تشدید یافت؛ با پیمان سان استفانو دخالتهای علنی روسیه شروع ولی جلو رقیب تازه کار گرفته شد با معاهده مخفی جزیره قبرس را از خلیفه گرفته و مرکز اصلی نظارت بر مصر و امپراطوری عثمانی را بدست آورد.

چنانکه قبلا اشاره شد پس از ناپلئون انگلستان آنی از جانب مصر غافل نبود. با حفر ترعه سوئز در سال (۱۸۶۹) بوسیله فردیناند ولسپس امتیاز ترعه بدست فرانسویها افتاد و تشویش انگلستان جهان خوار بیشتر شده انواع کارشکنی را می نماید ولی موفق نمی گردد. قروض مصر در زمان اسمعیل پاشا به سه میلیارد فرانک می رسید که در مقابل آن ۱۷۷۰۰۰ سهم از سهام ترعه بوی تعلق داشت و منافع بیست و پنج سال آن گرو قروض بود. در سال ۱۸۷۴ دیسراپلی سعی می نماید بوسیله بارون دوروچیلد بانگدار معروف مقداری از سهام ترعه سوئز را از فردیناند خریداری کند باز موفق نمی شود.

بالاخره در سال ۱۸۷۵ خدیو مصر تصمیم می گیرد سهام خود را بفروشد و چون در اینموقع دول استعماری روسیه و فرانسه ناظر حرکات رقیب بودند با اطلاع انگلستان از قصد خدیو و طرح آن در مجلس باعث بیداری آندو می گردیدند لذا بلافاصله دیسراپلی مقدار گزافی پول از بارون

## بلوك میانه \_\_\_\_\_ گنج شایگان

روچیلد قرض کرد و تمام سهام خدیورا خریداری نمود و آنگاه بس از ختم عمل گزارش آنرا بمجلس داد و تصویب گردید. رقیبا در طی مخالفت‌های شدید عمل دیسرائیلی را ننگ آور قلمداد کردند اما دیسرائیلی کار خود را کرده بود

بانگدارانهم که نفوذ انگلستان را بنفع خویش می‌دیدند موافقت خود را اعلام و او را تقویت کردند

در ۱۸۷۶ هجرتی از انگلستان برای تصفیه قروض خدیو حرکت کرد خدیو ابن هیئت را با هیئت بین‌المللی دول طلبکار برای تصفیه قروض قبول کرد و در همین سال اداره مالی مصر بدست دو بازرس فرانسوی و انگلیسی سپرده شد که بازرس انگلیسی وزیر مالیه شد اسمعیل پاشا برای رهائی از نفوذ انگلیسها مردم را وادار باغتشاش کرد و مردم خروج خارجیها را از خدیو خواستار شدند و چون دولت فرانسه حضور در کنگره برلن (برای تجزیه خاک عثمانی و در ظاهر بعنوان طرفداری اقلیتها و رسیدگی بوضع بالکان) را مشروط بعدم طرح مسئله مصر نمود (دولت انگلستانهم فوراً قبول کرد زیرا کاملاً بنفع او بود) خدیو بفرانسویان خوشبین گشته و برای جلب مساعدت آنان حاضر شد دو بازرس فرانسوی برقرار و وزیرای خارجی را اخراج کند ولی فرانسویها برای جلوگیری از اختلاف با انگلستان که دولت آلمان خواستار چنین وضعی بود درخواست خدیو را رد نمودند بیسمارک هم اعلام داشت که اجازه نمی‌دهد بحقوق اتباع آلمان و اطرش خللی وارد آید؛ بتجریک بیسمارک در سال ۱۸۷۹ سلطان عثمانی خدیو مصر را خلع کرد و طبق تمایل انگلستان توفیق پاشا خدیو شد؛ دولت عثمانی هم بدین ترتیب خواست نفوذ خود را دوباره برقرار نماید که بعقل شکست پیایی انگلستان از افتانها و معدوم شدن سه ستون انگلیسی در افریقا دیسرائیلی سقوط و گلاستون روی کار آمد و قضیه مصر بدین طریق حل شد که خلیفه عثمانی فرمانی صادر به اختیارات قدیم خدیو صادر در مقابل او هم بدون اطلاع خلیفه اراضی را بدول خارجی واگذار ننماید و مشاورین فرانسوی و انگلیسی دوباره بکار مشغول شوند؟

### اغتشاش

سفیر انگلستان بنام مالت Malet بعلمت سختگیری ریاض پاشا خود را حامی ملاحان معرفی کرد؛

و بر و سای ملیون تلقین کرد که اروپائیان منافع مستخدمین را برای تأمین قروض پایمال می کنند !!

و پاشای عربی پاشا مذاکراتی دائر بعزل ریاض پاشا نمود ملیون عزل ریاض پاشا را خواسته بتحریریک هر بی پاشا ارتش شورش نموده و عزل ریاض پاشا و دعوت مجلس ملی و القای اختیارات مفتشین را خواستند بالاخره در ۱۸۷۱ ریاض پاشا عزل و از نمایندگان مجلس دعوت شد انگلستان در اینوقت سعی در تعویض قونسول مزاحم فرانسه نموده و برای جلوگیری از اقدامات احتمالی دو ناوشکن به اسکندریه فرستاد و با سقوط کابینه گامبتا در فرانسه که طرفدار اصلاحات در مصر بود از دست رقیب خلاص شد .  
در ۱۸۸۲ ارتش در نتیجه اقدامات عربی پاشا خود را در اختیار ملیون گذارد .

### مأمور ناخلف ؟

با عمل عربی پاشا کابینه مصر سقوط کرده و با تشکیل مجلس علنی بدینطریق نظارت انگلیسیها از بین رفته و مصر در آستانه رهایی از قید استعمار بود یعنی عربی پاشا سرپیچی و بغضال استقلال افتاده بافرانسویان (کابینه فرانسینه) مذاکره و قرار نوشتن قانون اساسی برای مصر و تضمین آنرا بوسیله فرانسه گذارده بود عربی پاشا برای طرد مخالفین به بهانه سوء قصد بر علیه خود از خدیو درخواست دادگاه نظامی کرد مالت (سفیر انگلستان در مصر) خدیورا و ادار بمقاومت نمود .

خدیو حکم دادگاه را لغو و وزراء مصر اعتراض کردند و از وی خواستند در مقابل پارلمان توضیح دهد ، دولت فرانسه از خلیفه عزل خدیو و انتصاب پسرش حلیم پاشا را خواستار شد ولی چون انگلستان توفیق پاشا را طرفدار خود می دانست ۱۲ کشتی جنگی برای تهدید عربی پاشا اعزام داشت .

عربی پاشا ترسید و از مجلس تقاضای خلع خدیو را نمود رئیس مجلس بتحریریک میانجی شد .

عربی پاشا قبول پیشنهادات خود را شرط سازش با خدیو دانست ولی در اینوقت بود که انگلستان بفرانسه اطلاع داد آزادی عمل ؟

## بلوك میانه \_\_\_\_\_ گنج شایگان

خود را حفظ خواهد کرد و بدینوسیله علناً بمخالفت عربی پاشا پرداخت .  
سلطان عثمانی مأموری برای داوری بین خدیو و عربی پاشا اعزام  
داشت — اما عربی پاشا برای تسلیم نمودن خدیو در اسکندریه ورشی  
بر با نمود .

### بهانه

اروپائیان تیزدندان بهانه یافتند - فرانسه پیشنهاد تشکیل کنفرانس را  
داد که بدون حضور نماینده عثمانی در قسطنطنیه تشکیل گردید و سه ماه  
وقت برای استقرار نظم به خلیفه داده شد و انگلستان هم تعهد نمود جز  
در موقع بروز قوه جبریه دخالتی ننماید اما به بهانه آنکه عربی پاشا  
اسکندریه را تقویت کرده و استحکامات می سازد به ناوگان خود دستور  
داد تا آنجا را بمباران نمایند ، مصریان محله اروپائیان را غارت کردند  
(عجبا که تاریخ چگونه تکرار می شود عمال سیاست استعماری  
چگونه با ایجاد حوادث زمان را بِنفع خویش می گردانند) آتش  
سوزی قاهره؟

انگلیسها بعنوان حفاظت ترعه سوئز نیرو پیاده کردند (این همان نیروی  
است که با وجود تمهیدات مکرر در کنفرانسها و مجامع بین المللی و طی  
اعلامیه های متوالی هنوز که هنوز است چون اژدهائی بر کنج خفته و حاضر به  
رهانمودن آن نیست ) و خنده آور آنکه برای مشروع جلوه دادن عمل خود  
از فرانسه و ایتالیا برای دخالت دعوت کرد ولی کابینه فرانسه سقوط کرد  
ولرد گرانویل در ۱۸۸۳ اعلام داشت با استقرار امنیت ؟ مصر تخلیه خواهد  
شد (مرتب اول)

### شورش سودان

در ۱۸۸۱ محمد احمد نام پیشوای درویشان بنام مهدی شورش کرد  
با توضیح بیشتر علت این شورش روشن می شود ژنرال گوردون نواحی هارارا و  
دارفور را ضمیمه سودان نمود و در ۱۸۷۹ حکومت آنجا را ترک کرد این  
قسمت بدست عمال ترک و مصری افتاد بدخلقی و اجحاف آنها علت اصلی  
شورش بود ، در همین مواقع ارتش انگلیسی در مقابل درویشان معدوم

و سپس در ۱۸۸۴ ارتش ثانوی بسر نوشت اولی دوچار گردید شهر خارطوم تهدید بسقوط شد در بهار ۱۸۸۶ انگلیسها به ژنرال گاردان دستور تخلیه خارطوم را دادند و واژدول اروپائی برای تصفیه قروض مصر هیئتی دعوت و در ژوئن ۱۸۸۶ رسماً اعلام کرد که ارتش خود را در ۱۸۸۸ احضار می کند.  
(مرتبہ دوم)

و دو باره ارتش انگلستان شروع به پیشروی کرده ولی ژنرال کوردون در خارطوم بقتل رسید و در کنفرانس فوق انگلستان مقام اولویت را در تصفیه قروض بدست آورد و قبول نمود که ترعه سوئز آزاد باشد و **ولن بنادر و رودی آن؟ در دست انگلستان بماند**. در اینوقت با شکست سیاست و ارتش انگلستان در سودان و سواکیم و اقیانوس کبیراز آلمانها کابینه گلاستون مستعفی و سالیسپوری روی کار آمد و تصمیم گرفت با بیسمارک کنار بیاید هائری دور موندولف مأمور انجام این عمل شد و در قسطنطنیه (۱۸۸۶) با مذاکرات زیاد باین نتیجه رسیدند که دو نماینده انگلیسی و ترک که نماینده انگلیسی خود سفیر بود؛ برای تجهیز قوا به مصر حرکت کنند در سال ۱۸۸۷ در اثر فشار دولت عثمانی دولت سالیسپوری وعده داد تا سه سال دیگر مصر را تخلیه کند (مرتبہ سوم) توجه کنید در ۱۸۸۳ استقرار امنیت بهانه بود در ۱۸۸۴ انگلستان رسماً میگوید در ۱۸۸۸ ارتش خود را احضار خواهد کرد و سپس در ۱۸۸۷ می گوید تا سه سال دیگر تخلیه خواهد کرد و آن سه سال تا حال ادامه دارد (در نتیجہ مساعدت بیسمارک با انگلستان در ۱۸۸۷ در قسطنطنیه پیمانی بسته شد که ترعه سوئز بیطرف باشد و حفظ آن تا جائیکه منافعی با اشغال مصر نباشد به خدیو مصر و سلطان عثمانی واگذار و انگلستان بنام سلطان عثمانی ترعه را تحت نظارت و حمایت گرفت (کمال مطلوب) و برای سودان لرد کیچنر (جنایتکار معروف و خونخوار مأمور نا بودی قوم بوئر پس از مصر) را مأمور قلع و قمع شورشیان سودان نمود و بالاخره دره نیل را پس از ده سال تحت نفوذ آورد.

این وقایع دردناک مصر عزیز بوده اینک قیامی و جوششی فنا ناپذیر، جنبشی نافذ و عمیق قلوب مردان مبارز مصر را برای انتقام بجرکت آورده. اعصاب تخریب شده، حال و جان یافته و با کمال خوشبختی باید گفت پس از آتش سوزی دستوری قاهره (که بی شباهت بشورش و بمباران

خیش فرسوده

خیش فرسوده ای بهفته و ماه  
زنك بیکاری و تن آسائی  
روشنی بود تیرگیش نبود  
تا که پوشید تیره رنگاری  
شامگاهی رفیق دیرینه  
که روانست سوی خانه خود  
خیش زنگار سوده حیران شد  
پیکر او ز آهن است و مرا ..  
ز چه او تابناک ورخشانست؟  
بانك برداشت کای برادرمن  
اینهمه شادی و طربناکی

گفت از کار و جنبش و کار است

که سعادت کنون مرا یار است

از سید جلال مروج

۳۳/۳/۰۰۰

اسکندریه در زمان عربی پاشا و بدنیاال آن پیاده کردن قوا در ترعه نمی بود ( ملت مصر با چشمانی باز مواظب حرکات و سکنات دزدان طرار بوده و بمانورهای ساختگی کماندوهای مأمور مائوماو باستمزای می نگرند - این کشتیهای جنگی و چتر باز و کماندو برای ایران هم آمد ولی تیرش به سنك خورد .

الا ای ملت مصر! الا ای وارثین مالک اشتر پشت انگلسیهای معاویه صفت را چون فرماندار مصر بذاك مذلت آورید .

ای برادران همفکر کاملاحریف را کنترل نمائید و بموقع ضربت قطعی رافروذ آورید. پیروز باد مبارزات حق طلبانه ملت اسلامومصر! جاوید باد بلوگ میانه قرین موفقیات باد کوبندگان استعمار ساکن در بلوگ شرق و غرب .

بقیه در شماره آینده